هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۲۳ | چهارشنبه ۹ سنبله ۱۳۸۴ | ۲۶ رجب المرجب ۱۴۲۶ = 31 August 2005

سفر نخست وزیر هندوستان به افغانستان مرحله یی جدید در روابط دو کشور

هند ۵۰ میلیون دلار دیگر به بازسازی افغانستان کمک کرد
هند سالانه یک هزار بورس تحصیلی به افغانستان می دهد

من موهن سنگهـ نخست وزیر هندوستان صبح روز یکشنبه ٦ سنبله جهت دیدار رسمی با مقامات دولت افغانستان وارد کابل شد.

استقبال از نخست وزیر هند و هیأت همراه وی که در وضعیت خاص امنیتی به شکل ویژه و سمبولیک انجام شد بی سابقه توصیف شده است. شلیک بیست و یک فیر توپ به استقبال از ورود نخست وزیر هند یکی از ویژگی های پذیرایی از این مقام بلند رتبهٔ هندی می باشد.



وی در ملاقات با حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان روی توسعهٔ همکاری و مساعدت های اقتصادی و تحکیم امنیت و ثبات در منطقه صحبت کرد.

نخست وزیر هند در این سفر خود به افغانستان علاوه از مساعدت پنجاه میلیون دلار به بازسازی افغانستان، آمادگی آن کشور را برای کمک در عرصهٔ آموزش مسلکی افغان ها، انکشاف پروژه های زراعتی و مساعدت به زنان اعلام کرد. و مساعدت یک هزار پایه ماشین خیاطی را به وزارت امور زنان وعده سپرد.

جانب هند اعطای پنجصد بورس تحصیلی برای دانشجویان دانشگاه های افغانستان و پنجصد بورس آموزشی کوتاه مدت را به خاطر رشد مهارت های مسلکی کارمندان دولت اعلان کرد. موافقت نامه هایی در این عرصه میان نتوار سنگ وزیر امور خارجهٔ هندوستان و وزرای خارجه، اقتصاد و زراعت افغانستان به امضا رسید.

نخست وزیر همراه با حامد کرزی در مراسم گشایش پس از بازسازی لیسهٔ حبیبیه اشتراک کرد. ص٦

گفتگوهای سه جانبهٔ افغانستان، پاکستان وامریکا نتایجی در پی خواهد داشت؟

دوازدهمین دور گفتگوهای سه جانبهٔ افغانستان، پاکستان و ایالات متحدهٔ آمریکا به تاریخ ۲ سنبله در شهر راولپندی پاکستان برگزا شد. در این گفتگوها در بارهٔ مبارزه علیه تروریزم، بحران در ساحات مرزی افغانستان و پاکستان وتأمین امنیت انتخابات پارلمانی بحث صورت گرفت.

در این گفتگوها موضوع خروج افغان ها از مناطق قبایلی با جور و کوم ایجنسی نیز مورد بحث قرار گرفت.

در این ساحهٔ مرزی سی و دو کمپ پناهنده گان افغانستانی وجود دارد و بیش از یکصد هزار پناهندهٔ افغانستانی در آن جا زندگی می کنند. در بیرون از این کمپ ها نیز بیشتر از ۵۰ هزار پناهنده به سر می برند. حکومت پاکستان به این پناهنده گان تا پایان ماه جاری عیسوی وقت داده است تا این ساحات را ترک گویند.

گفته می شود که حکومت افغانستان از پاکستان خواسته است تا به پناهنده گان افغانستانی فرصت بیشتر بدهد. اما موقف پاکستان در برابر این تقاضا روشن نیست.

در این گفتگو از جانب افغانستان ژنرال بسم الله لوی درستیز، ژنرال شیر محمد کریمی رئیس اوپراسیون وزارت دفاع ملی و سخنگوی وزارت امور خارجه و تعدادی از کارمندان وزارت امور داخله و خارجه حضور داشتند. جزئیات بیشتر این مذاکرات افشا نگردیده است. این که جانب پاکستان به این تعهدات عمل خواهد کرد یا نه؟ از مسائلی است که پاسخ به آن مشکل است: زیرا نتایج یازده دور گفتگوها هنوز برای مردم ما غیر قابل درک است. مرزهای پاکستان با افغانستان هنوز مرکز تربیه وآموزش تروریستان باقی است و حملات شورشیان در داخل افغانستان ازدیاد یافته است.

نگاهی نو به تاریخ استقلال ص۳

جورج دبلیو بوش:

آمریکا کارها در افغانستان و عراق را نیمه تمام نخواهد گذاشت

رئیس جمهوری آمریکا گفت: تا زمانی که درقدرت است جنگ علیه تروریزم دوام خواهد کرد و آمریکا کارها در افغانستان و عراق را نیمه تمام نخواهد گذاشت و تا پیروزی علیه تروریستان آرام نخواهد نشست. به گفتهٔ او بیرون شدن قوای آمریکایی از عراق تروریستان را بیشتر شجاعت خواهد داد.

وی در سخنرانی خود به گارد ملی و خانواده های عساکر امریکایی در ایالت ایداهوا گفت که آمریکا انتظار نخواهد کشید که بار دیگر در داخل کشور مورد حمله قرا رگیرد.

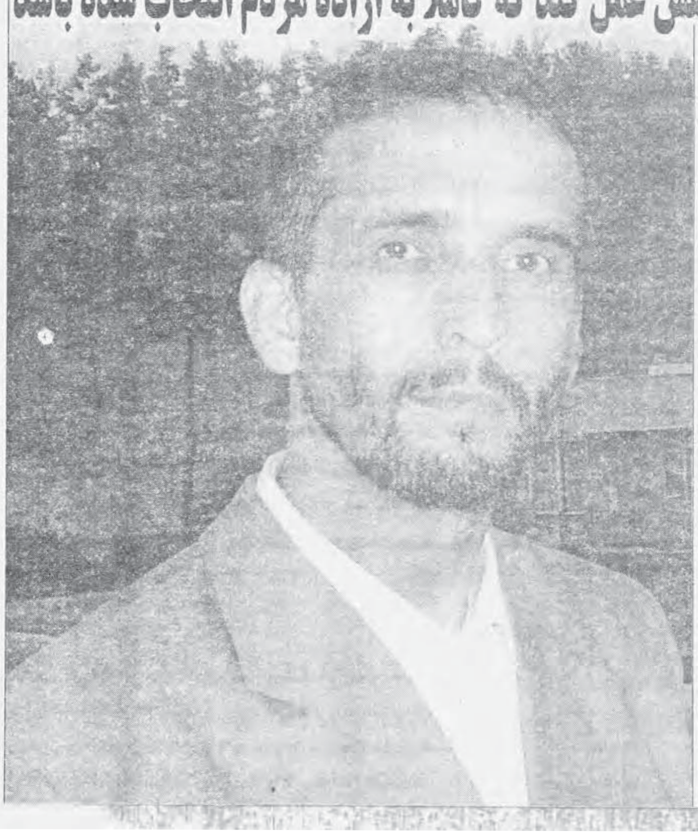
او تأکید کرد که حملات علیه تروریزم را ادامه داده و کار در افغانستان و عراق را به پایان خواهد رساند.

وی اضافه کرد که در درازمدت تروریستان به شکست روبه رو خواهند شد.

این چلنیج تازهٔ بوش در مبارزه علیه تروریزم است. وی خود معتقد است که این مبارزه دوامدار و پر از خطر خواهد بود.

واقف حکیمی در همایش کاندیداهای ولسی جرگه و در نماز جمعهٔ ریشخور:

ولسی جرگه یی می تواند به وظایفش عمل کند که کاملاً به ارادهٔ مردم انتخاب شده باشد



بر اساس قانون اساسی افغانستان پارلمان سه وظیفهٔ مهم دارد: قانون گذاری و ایجاد اصلاحات در نظام و نظارت برکارنامه ها و برنامه های حکومت.

این وظایف را زمانی پارلمان می تواند به درستی انجام بدهد که واقعاً توسط مردم انتخاب شده باشد

***

پارلمان آینده باید برای بسیاری از بحران ها و معضل های تاریخی و مزمن جامعهٔ افغانستان در زمینه های گونه گون راه حل های واقعی و عملی جستجو کند واین زمانی میسر می شود که انتخابات پارلمانی کاملاً منصفانه و عادلانه برگزار گردد

***

اگر به همت شما و اعتماد شما به پارلمان رفتم تعهد می سپارم که از منافع و مصالح شما و منافع و مصالح کشور به هیچ وجهی نخواهم گذشت و همچون گذشته در کنار شما

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ صندوق پستی: ۲۲۶
شماره های تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۰۲۰۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

روابط افغانستان و هندوستان
نیاز به سیاست واقعگرایانه

آقای من موهن سنگ نخست وزیر هندوستان در رأس یک هیأت بلند پایهٔ دولتی صبح روز یکشنبه ٦ سنبله وارد کابل شد و تا بعد از ظهر دوشنبه فردای آن روز در این شهر ماند.

پس از سی سال این نخستین سفر یک هیأت بلند پایهٔ هند در این سطح به افغانستان است و نظر به سفر هیأت های مشابه آن مدتی دراز تر در افغانستان ماند و با رئیس جمهوری و مقامات بلند پایهٔ دیگر دولت دیدار و در پیرامون مسائل مورد علاقهٔ دو کشور گفتگو کرد.

در این سفر نخست وزیر هندوستان قراردادهایی همکاری در زمینه های علوم طبی، و تحصیلات عالی، و توسعهٔ پروژه های کوچک صنعتی، و تعلیمات و تحقیقات زراعتی به امضا رسید که هر کدام می تواند در بازسازی و نوسازی زیر ساخت های اقتصاد کشور نقشی مهم بازی کند.

افزون بر این ها نخست وزیر هند ساختمان لیسهٔ حبیبیه را که تازه به یاری کشورش بازسازی شده است، افتتاح کرد و در تهداب گذاری ساختمان پارلمان افغانستان شرکت ورزید. این ها به عنوان نمادهایی می تواند علاقه مندی کشور هندوستان را به رشد روند آموزش و پرورش و توسعهٔ ثبات سیاسی و دموکراسی در افغانستان نشان بدهد، چیزی که هند در هر دو زمینهٔ آن تجربه هایی خوب داشته است و افغانستان عقب ماندگی هایی قابل ملاحظه. رهبران هر دو کشور فلسفهٔ این دیدار و روابط دوستانه میان دو کشور را روابط دیرینهٔ تاریخی میان مردمان این دو کشور خواندند.

راستی کشور ما و کشور هندوستان دارای تاریخ بس طویل روابط دوستانه و بل برای قرن هایی دارای فرهنگ و تمدن مشترک بوده ایم. فرهنگ و تمدن اسلامی در هند بخشی بزرگ از تاریخ فرهنگ و تمدن سرزمین هند را می سازد که غالبا به دست کسانی ساخته شده است که هندوستان و افغانستان امروزین قلمرو مشترک آنان بود.

هندوستان یکی از کشورهایی است که سرشت و سرنوشت بسیار همگونی با کشور ما دارد و تجربه های بسیار درخشان آن در زمینه های علوم و فن آوری. و افغانستان می تواند از این تجربه ها بسیار سود بردارد.

توسعهٔ روابط دوستانه با کشور هندوستان و بهره بردن از ظرفیت ها و منابع آن بی تردید می تواند کشور ما را در راه توسعه یاری برساند، ولی توسعهٔ این روابط به یک برنامه ریزی هوشمندانه و حکیمانه نیازمند است و این برنامه ریزی هرگز در منظومهٔ سیاست گذاری های رژیم های پیشین افغانستان به دست نمی آید. این سیاست هوشمندانه و حکیمانه باید چنان پی ریزی گردد که منافع و مصالح افغانستان در آن ملحوظ قرار گیرد و به صلح و ثبات در افغانستان و منطقه کمک کند و افغانستان مصاف درگیری ها و رقابت های ذات البینی برخی از کشورهای منطقه نشود.

در گذشته ها متأسفانه سیاست گذاران افغانستان نتوانسته اند، به گونه یی با جهان به ویژه کشورهای منطقه مانند هند و پاکستان رابطهٔ دوستانه برقرار کنند که از درگیر شدن آنها در افغانستان جلوگیری نمایند. البته این کار بسیار دشوار است ولی نا ممکن نیست. در گذشته به دلیل وضعیت خاص جهانی و منطقه یی این کار مشکل تر به نظر می آمد اما امروز شرایط پی ریزی یک چنین سیاستی آماده تر از پیش است.

تأکید رئیس جمهوری اسلامی افغانستان حین دیدار نخست وزیر هند از کابل بر تحکیم روابط دوستانه با پاکستان و اظهارات آقای من موهن سنگ حین بازگشت به کشورش در فرودگاه دهلی مبنی بر این که "پاکستان در ثبات در افغانستان نقشی مهم دارد" می تواند نشانه هایی از این واقع بینی در سیاست منطقه یی هر دو کشور باشد، وحتی افغانستان به جای دنباله روی سیاست های یکی از کشورهای رقیب می تواند به عنوان یک کشور بی طرف و خیر خواه نقشی میانجیگرانه در حل منازعات هند و پاکستان را بازی کند و هر دو کشور را در رسیدن به صلح و امنیت برپایهٔ حق و عدالت یاری برساند. بهره ور شدن افغانستان از روابط دوستانه با کشورهای جهان و منطقه در گرو یک چنین سیاست واقع گرایانه است.

مطالعهٔ مقایسه یی قوانین انتخابات در افغانستان، ایران و پاکستان

محمد نسیم فقیری

کلیات

قبل از مطالعهٔ قوانین انتخابات در سه کشور یاد شده، لازم است تا یادآوری گردد که این کشورها هر کدام دارای نظام های سیاسی از هم متفاوت می باشند. بدین شرح که افغانستان و ایران دارای سیستم مرکزی یا تک ساخت و پاکستان فدرالی، و افغانستان دارای نظام ریاستی، ایران دارای نظام ولایت فقیه و پاکستان دارای نظام پارلمانی می باشد. رویهمرفته در افغانستان رئیس جمهور دارای صلاحیت و قدرت است، در ایران رهبر یا ولی فقیه و در پاکستان (طبق قانون اساسی ۱۹۷۳) نخست وزیر.

در افغانستان و ایران رؤسای جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می گردند و در پاکستان نخست وزیر پس از انتخابات پارلمانی از سوی حزب دارندهٔ اکثریت معرفی می گردد و رئیس جمهور نیز طبق قانون با رأی نمایندگان شورای ملی و شوراهای ولایتی برگزیده می شود که معمولا وابسته به حزب یا ائتلاف حاکم می باشد.

شورای ملی در افغانستان و پاکستان دارای دو اتاق (ولسی جرگه و مشرانو جرگه = نشنل اسمبلی و سینت) می باشد ولی در ایران دارای یک اتاق (مجلس شورای اسلامی) است.

اداره و نظارت بر انتخابات

در افغانستان: در جمهوری اسلامی افغانستان طبق حکم مادهٔ ۱۵٦ قانون اساسی "کمیسیون مستقل انتخابات هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم را اداره و بر آن نظارت می نماید".

ولی طبق حکم مادهٔ ۵۷ قانون انتخابات، در جریان دورهٔ انتقالی دفتر مشترک تنظیم انتخابات تمام اختیارات کمیسیون مستقل انتخابات را اعمال می نماید و با تکمیل تمام وظایف مربوط به انتخابات در جریان دورهٔ انتقالی، دفتر مشترک تنظیم انتخابات منحل گردیده و کمیسیون انتخابات تمام اختیارات مندرج در مادهٔ ۱۵٦ قانون اساسی و قانون انتخابات را به عهده می گیرد.

در ایران: در جمهوری اسلامی ایران طبق حکم اصل مادهٔ نود و نهم قانون اساسی آن کشور "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی وهمه پرسی را به عهده دارد".

شورای نگهبان در مادهٔ ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین توصیف شده است:

"به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این اعضا از صلاحیت مقام رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیلهٔ رئیس قوهٔ قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند و با رأی مجلس انتخاب می گردند.

گفتنی است که طبق مادهٔ ۹۸ قانون اساسی ایران، تفسیر قانون اساسی نیز به عهدهٔ شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آن انجام می شود.

در پاکستان: بخش هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان به انتخابات اختصاص یافته است. طبق حکم آرتیکل مادهٔ ۲۱۸ کمیسیون انتخابات به فرمان رئیس جمهور جهت برگزاری هر نوع انتخابات تشکیل می گردد که متشکل است از یک رئیس با صلاحیت که به نام جیف الیکشن کمیشنر یاد می گردد و چهار عضو که هر کدام قاضی ستره محکمهٔ یک ایالت می باشند و رئیس جمهور پس از مشوره با ستره محکمهٔ آن ایالت و رئیس کمیسیون انتخابات آنان را بر می گزیند.

> **در افغانستان و ایران رؤسای جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می گردند و در پاکستان نخست وزیر پس از انتخابات پارلمانی از سوی حزب دارندهٔ اکثریت معرفی می گردد و رئیس جمهور نیز طبق قانون با رأی نمایندگان شورای ملی و شوراهای ولایتی برگزیده می شود که معمولاً وابسته به حزب یا ائتلاف حاکم می باشد**

چگونگی انتخابات: شیوهٔ انتخابات (اعم از ریاست جمهوری و ولسی جرگه) در افغانستان مطابق احکام مواد ٦۱ و ۸۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان "آزاد، عمومی، سری و مستقیم" می باشد.

در جمهوری اسلامی ایران نیز مطابق حکم مواد دهم و هفتم قوانین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی "انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رأی مخفی" است.

و طبق حکم مادهٔ ۲۲٦ قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان "تمام انتخابات مطابق قانون اساسی با رأی دهی مخفی" صورت می پذیرد

گرچه مطالعهٔ تفاوت های شیوهٔ انتخاب

> **در جمهوری اسلامی ایران طبق حکم اصل مادهٔ نود و نهم قانون اساسی آن کشور "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی وهمه پرسی را به عهده دارد"**

در انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان و ایران بسیار جالب و آموزنده است ولی به دلیل سپری شدن این انتخابات در هر دو کشور، از آن صرف نظر می گردد و فقط به مطالعهٔ مقایسه یی انتخابات شورای ملی در سه کشور یاد شده می پردازیم:

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

در افغانستان: مادهٔ سیزدهم قانون انتخابات، اوصاف رأی دهندگان را چنین بیان داشته است:

۱- حد اقل اکمال سن ۱۸ سال در روز انتخابات

۲- تابعیت افغانستان هنگام ثبت نام به حیث رأی دهنده

۳- عدم محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی به حکم محکمهٔ ذیصلاح

۴- ثبت نام به حیث رأی دهنده توسط کمیسیون

و مادهٔ چهاردهم اوصاف کاندیداهای شورای ملی و شوراهای ولایتی و ولسوالی را به مادهٔ ۸۵ قانون اساسی راجع می سازد که می گوید:

شخصی که به عضویت شورای ملی کاندیدا یا تعیین می شود، علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان، واجد اوصاف ذیل می باشد:

۱- تبعهٔ افغانستان بوده یا حد اقل ده سال قبل از تاریخ کاندیدا یا تعیین شدن، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.

۲- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

۳- اعضای ولسی جرگه سن ۲۵ سالگی را در روز کاندیدا شدن و اعضای مشرانو جرگه سن ۳۵ سالگی را در روز کاندیدا یا تعیین شدن تکمیل کرده باشند.

در ایران: طبق مادهٔ ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران، انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران

۲- پانزده سال تمام

۳- عاقل بودن

و طبق مادهٔ ۳۸ همان قانون، "انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

۲- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران

۳- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقهٔ فقیه

۴- حد اقل مدرک فوق دپلوم و یا معادل آن

۵- نداشتن سوء شهرت در حوزهٔ انتخابیه

٦- سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی

۷- حد اقل سن سی سال تمام و حد اکثر هفتاد و پنج سال تمام

از مطالعهٔ مقایسه یی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در افغانستان و ایران به تفاوت های زیر بر می خوریم:

-سن انتخاب کننده که در اولی ۱۸ سال و در دومی ۱۵ سال است

-عاقل بودن که در اولی مورد توجه قرار نگرفته است

-عدم محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی که در دومی شرط دانسته شده است

همچنین در شرایط انتخاب شوندگان:

-در اولی، اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی، حد اقل تحصیل و سلامت جسمی در نظر گرفته نشده و در دومی به جای عدم محکومیت فقط به نداشتن سوء شهرت اکتفا گردیده است.

-سن انتخاب شونده در اولی (برای ولسی جرگه ۲۵ سال و در دومی سی سال تمام ذکر شده ولی در اولی حد اکثر سن قید نشده است، در حالی که در دومی هفتاد و پنج سال تمام قید گردیده است.

در پاکستان: طبق مادهٔ ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان، رأی دهندگان باید دارای اوصاف ذیل باشند:

۱- تبعهٔ پاکستان

۲- حد اقل ۱۸ سال عمر

۳- نام او در فهرست انتخابات درج باشد

۴- کدام محکمه عدم سلامت عقلی او را تأیید نکرده باشد.

ادامه دارد

نگاهی نو به تاریخ استقلال

وحید مژده

هشتاد و ششمین سالروز استقلال کشور را پشت سرنهادیم. مقداری در مورد شهامت اجداد مان سخن گفتیم که چگونه پوزه، استعمار را به خاک مالیدند و کمی هم به دشمنان امروز کنایه گفتیم که از تاریخ درس بگیرند بدون این که به این مسألهٔ پرداخته باشیم که خود تا چه حد از تاریخ درس عبرت آموخته ایم.

نشریه های آزاد نیز دراین رابطه مطالبی بسیار نگاشتند که هرکدام به جای خود قابل دقت و توجه بود. نشریه، همبستگی غیر ارگان نشراتی حزب همبستگی افغانستان در شماره، ۱۴ ماه سنبلهٔ خود در مقاله یی تحت عنوان "اشتباهات یک قهرمان" در رابطه به شاه امان الله خان مطلبی را به نشر رسانید که به نظر من بسیار جالب بود. نویسنده به اشتباهات این پادشاه در دوره یی پرداخته است که وی از قدرت خلع شده و در تبعید به سر می برد. از جمله سکوت وی در برابر استبداد دوره های بعد از وی در افغانستان، بی تفاوتی اش در برابر کشتار هواداران و یارانش، عدم نگارش خاطرات و حتی فرار از مصاحبه با خبرنگاران.

نگارنده، مقاله در این نوع موضعگیری های شاه مخلوع نشانه هایی از کنار آمدن با نادر شاه و آسوده طلبی شاهانه، وی را می بیند که هرگز بی جا نیست. نویسنده می خواهد بگوید که امان الله خان قهرمانی را فقط در مقام سلطنت می خواست و به همین دلیل وی بعد از خلع قدرت از مقام قهرمانی نیز کناره گرفت.

تحلیل این مطالب نیازمند فتح باب جدیدی در نگرش به یک دوره از تاریخ یا نگاهی نو به تاریخ استقلال کشور است که سخت به آن نیازمندیم. اصولا مطرح شدن چنین سؤال ها به دور از هرگونه طرف گیری های متعصبانه می تواند روشنگر زوایایی ناشناخته از تاریخ کشور ما باشد و جای دارد که طرح آن تنها در یک نشریه محدود نماند و با خواندن سرسری و احیانا تحسین یا تردید شفاهی با آن برخورد صورت نگیرد. لااقل صاحب این قلم را دریغ آمد که چنین کند.

قبل از پرداختن به اصل مسئله که در شماره، بعد مجاهد به آن خواهم پرداخت، در این بخش به مطلبی می پردازم که من با نویسنده، محترم در آن مورد توافق ندارم. ایشان اشخاص ذیل را روشنفکران خاین و درباری می خوانند: صباح الدین کشککی، اکبر اعتمادی، صلاح الدین سلجوقی، سیدقاسم رشتیا، صدیق فرهنگ، حسن شرق، اسحاق عثمان، هاشم میوندوال. (البته دراین مقاله شخصی به نام محمد علی مؤرخ نیز مورد لعن و طعن قرار گرفته که شناخته شده نیست).

و در جای دیگری نوشته اند: اگر ملت افغانستان بخت داشتن تاریخ نویس ارجمند و مبارزی چون غلام محمد غبار را نمی داشت شاید امروز این عصاره های استبداد و ارتجاع بر بنیاد رژیم های مخدوم و مقامات کلانی که احراز کرده بودند هرکدام را رجل بزرگوار و خدمتگزار بی همتای کشور می پنداشتند.

سؤال این است که این ترجیح بلا مرجح در مورد مرحوم غبار ناشی از چیست؟ اگر دلیل خدمتگزاری به دولت وقت است، مرحوم غبار نیز از این قاعده مستثنی نیست. مقاله، وی تحت عنوان "اقتصاد ما" که به اشاره، شاه محمود خان علیه مجید زابلی وزیر اقتصاد وقت نوشته شده بود نشانه یی از درگیری وی در منازعه های ذات البینی دربار است. دربار تلاش داشت تا زابلی ثروتمند را از صحنه بیرون کند؛ زیرا گمان داشت که وی در پشت پرده، ویش زلمیان را تمویل می نماید. این نکته روشن است که مرحوم غبار در اواخر از مخالفت با دولت دست برداشت و به همان راهی رفت که

> **وقتی امان الله خان با بیرون شدن از افغانستان یاران پیشین را فراموش کرد و با تخت نشینان بعد از خود از در سازش درآمد، یاران وی با آن همه شکنجه و زندان که تحمل کردند بازهم باید به وی وفادار می ماندند؟ بیایید خود را در موقف آنان قرار دهیم آیا راه دیگری وجود داشت؟**

دیگران قبل از وی رفته بودند. دیگرانی چون استاد خلیلی، عبدالهادی داوی و... این سخن در نکوهش از غبار نیست وقتی امان الله خان با بیرون شدن از افغانستان یاران پیشین را فراموش کرد و با تخت نشینان بعد از خود از در سازش درآمد. یاران وی با آن همه شکنجه و زندان که تحمل کردند بازهم باید به وی وفادار می ماندند؟ بیایید خود را در موقف آنان قرار دهیم آیا راه دیگری وجود داشت؟

به نظر صاحب این قلم مقایسه، جنایت کارانی چون سید شریف سرباور و حسن شرق با صلاح الدین سلجوقی که تقویم انسانش الهام بخش کسانی چون دکتر علی شریعتی بوده است با انصاف سرسازگاری ندارد.

این شیوه از دور ریختن ها را جهان، در انقلاب فرهنگی چین تجربه کرد که بعد ها در اعلام جرم علیه پیشتازان انقلاب فرهنگی در خود این کشور کارآمد بود.

بهار را دربار شاهان مستبد ایران رتبه، ملک الشعرایی داد اما ایران بعد از انقلاب بی بهار نیست. در پشت آخرین چاپ از دیوان وی در دوران انقلاب نیز لقب ملک الشعرا به چشم می خورد.

و اما غبار پیشرو راهی است که از نادر خان قهرمان تل ساخت و امان الله خان و دربارش را به بزدلی وسازش با انگلیس متهم نمود. این بزرگ ترین خدمتی بود که وی به نادرخان کرد.

افغانستان در مسیر تاریخ را ورق می زنیم. غبار در صفحه، ۷۶۸ در رابطه به جنگ تل می نویسد:

سپهسالار محمد نادر خان در ۲۶ می ۱۹۱۹ به طور ناگهانی با ده هزار لشکر ملی از مردم خوستی و وزیری و غیره و سه هزار عسکر منظم و دو توپ هاوتزر وهفت توپ دیگر در محاذ تل رسید، این قوا بلادرنگ نقاط حاکم و قصبه، تل را اشغال کرد، و در ۲۸ می در زیر باران گلولهٔ طیاره های دشمن (در طی همین بمباران طیارات انگلیسی بود که احمد جان خان کمیدان کابلی شهید شد) قلعه، جنگی تل را زیر آتش هاوتزر ها قرار داد و به سرعت ذخایر تیل و چوب و آذوقهٔ قلعه را با استیشن های بیسیم و ریل آتش زد. قطعات (فرانتیر کانستبلری) دشمن از موضع خود فرار کرد و ذخیره، آب مورد خطر واقع شد. آتش باری توپخانه، افغانی دیگر گل شدنی نبود، تا فصیل قلعه تل و قشله های قلعه منهدم گردید. ملیشه ها انگلیس ها را ترک گفتند و از تل خارج شدند. بالآخره قوای انگلیسی تاب نیاورد دست از جنگ کشید و بیرق تسلیم برافراشت. مهاجمان افغانی متوجه بیرق تسلیم نشدند و با نخواستند بشوند پس هجوم دوام کرد و سپاه و افسران انگلیسی از دروازه، دیگر قلعه فرار کردند. قشون فاتح افغانی داخل تل شده و بیرق افغانستان را برفراز آن برافراشتند.

غبار از این روایت خویش این گونه نتیجه می گیرد:

در حالی که قوای فاتح افغانی قلعه، مهم تل را در دست داشته و کوهات و پیشاور را تحت تهدید قرار داده بود وقوای افغانی می توانست به یک حرکت جناحی در پیشاور بیفتد و سپاه خیبر انگلیس را معدوم و هردو کناره، دریای سند را زیر پای استعمار امپراتوری به توده، آتش تبدیل نماید ولی این چنین نشد: زیرا پایتخت کابل بدون مشوره با قوماندانان محاذات جنگ، بدون مشوره با مردم افغانستان خواهش متارکه، دولت انگلیس را پذیرفته و به قوماندانان خود در تمام محاذات جنگ امر تخلیه، مناطق مفتوحه و عقب کشی از سرحدات را صادر کرد، لهذا سپاه فاتح افغانی خواهی نخواهی رجعت کردند و نقاط مهمی که با خون مردم و عسکر افغانی فتح شده بود دوباره (به شمول قلعه، جنگی تل) به دست دشمن افتاد: زیرا پشت جبهات افغانی یعنی دولت مرکزی و دربار معنا متزلزل بود.

او می خواهد بگوید که اگر امان الله خان ترسو و سازشکار نمی بود. نادر خان که قلعه، تل را در اختیار داشت می توانست با یک حمله پیشاور را بگیرد و تمام نیروی انگلیس را نابود کند.

اما روایت مرحوم میر محمد صدیق فرهنگ در کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر از این واقعه چنین است:

در محاذ خوست جنرال محمد نادر خان که یک تعداد اقوام ...

با او همراه بودند در ۲۳ ماه می از سرحد عبور نموده پس از فتح سپین وام به سوی شهر و مرکز نظامی انگلیسیان در تل حرکت نمود و سعی کرد تا با تصرف نقطه، سوق الجیشی مذکور خط آهن کرم را قطع کند، نیروی نظامی قبایلی که توسط افراد خانواده، حضرات مجددی و سایر روحانیون و عالمان دینی به جنگ تشویق می شدند شش عراده توپ را از کوه های دشوار گذار سرحدی عبور داده در ۲۶ ماه می در برابر تل

> **سؤال این است که این ترجیح بلا مرجح در مورد مرحوم غبار ناشی از چیست؟ اگر دلیل خدمتگزاری به دولت وقت است، مرحوم غبار نیز از این قاعده مستثنی نیست. مقاله، وی تحت عنوان "اقتصاد ما" که به اشاره، شاه محمود خان علیه مجید زابلی وزیر اقتصاد وقت نوشته شده بود نشانه یی از درگیری وی در منازعه های ذات البینی دربار است**

ظاهر گردیدند و ساخلوی انگلیس را در آن جا غافلگیر کردند. قوای انگلیس در قلعه، تل حصاری شدند و افغان ها بر قصبه و بازار دست یافته و قلعه را زیر آتش توپ گرفتند. وضع نیروی محاصره شده دشوار بود و پس از آن که ذخیره، مواد خوراکه و مواد سوخت آن به اثر بمباران توپخانه، افغانی حریق گردید دشوار تر شد اما آنان پافشاری کردند و قوماندان عمومی بریتانیه یک دسته کمکی به قیادت جنرال دایر عامل کشتار امرتسر به امداد شان حرکت داد. جنرال مذکور با سرعت تام، خود را به تل رسانید و با رسیدن او قوای افغانی پس از برخورد مختصر به سوی متون عقب نشست...

روایت فرهنگ از این جنگ با خاطرات کسانی که خود در این جنگ در رکاب نادر خان بودند مطابقت دارد. در این مورد یک منبع معتبر که اخیرا به فارسی دری نیز ترجمه گردیده خاطرات ظفر حسن آیبک است که دوست دانشمندم فضل الرحمن فاضل با ترجمه، این خاطرات تحت عنوان "افغانستان از سلطنت امیر حبیب الله خان تا صدارت سردار هاشم خان" منبع تازه یی از معلومات را در رابطه به یک دوره، بسیار حساس از تاریخ کشور در اختیار اهل تحقیق نهادند.

من در مورد خاطرات این شخص فقط یکبار اشاره یی در کتاب خاطرات مرحوم رشتیا دیده بودم که خاطرات ظفر حسن تحت عنوان "آپ بیتین" "شما بنشینید" به زبان اردو تحریر یافته و گویا تا آن زمان به نشر نرسیده بود.

روایت فرهنگ از جنگ تل با یادداشت های ظفر حسن آیبک مطابقت دارد که بدون تردید وی از این خاطرات که نزد برادرش رشتیا موجود بود، در کتاب خویش "افغانستان در پنج قرن اخیر" سود برده است

خاطرات ظفر حسن به عنوان یک مسلمان مجاهد، با صداقت و بی طرفی به رشته، تحریر در آمده و وی اطلاعات روشن و دقیق از جریاناتی که خود در آن حضور داشته است به خواننده عرضه می دارد.

ظفر حسن آیبک از آزادیخواهان هند و از یاران نزدیک مولانا عبید الله سندی بود که همراه باوی به افغانستان هجرت کرد وبعد در رکاب او عازم شوروی و از آن جا رهسپار ترکیه شد. ظفر حسن همراه با جمع دیگری از آزادیخواهان هند در جنگ استقلال افغانستان شرکت داشت و شخصا همراه با سپهسالار محمد نادر خان در جنگ تل اشتراک ورزید.

آیبک در خاطرات خویش در نبرد تل از بی سروسامانی اردوی افغانی، کمبود مهمات (که حتی برای یک توپ نیز به قدر کافی مهمات در اختیار نبود) بی اعتمادی جنرال محمد نادر خان به زیردستانش و عدم آموزش نظامی اردوی افغانی پرده برمی دارد. وی در مورد جنگجویان قبایلی جدران و منگل که دکان های بزازان بازار تل را غارت کرده و بعد بدون درگیر شدن با نیروی انگلیس به سوی خانه های خویش روان بودند سخن می گوید که نادر خان اموال غارت شده را از آنان گرفته آتش می زند و از عدم اطاعت سربازان از اوامر نادر خان سخن می گوید.

وی می نویسد: ... روز دیگر توپ های هوتزر جرمنی بر بالای پیل ها بار شده به سنگر رسانیده شد. سپهسالار مرحوم برای من گفت بر اساس همان خریطه یی که در "متون" آماده شده است فاصله میان این سنگر و قلعه، تل را محاسبه نمایم. من با رجوع به خریطه فاصله را با مایل و گز گفتم. سپهسالار گفت آن را به متر تبدیل نمایم زیرا که فاصله، انداخت (برد) این توپ به اساس متر محاسبه شده است و توپچی ها از عملیه، تحویل به صورت کل بی خبر بودند ونمی توانستند به اساس خریطه فاصله، دو محل را تعیین نمایند.

توپ در یک کوه و دور از دید دشمن در موضعی جای داده شده بود. از همین رو قلعه، تل که هدف گلوله باری بود به نظر نمی آمد و بایست میل توپ از موضع مستور به سوی قلعه دور داده می شد. توپچی این مسأله را هم نمی دانست. از این نافهمی افسران من دریافتم که سپاهیان افغان در وقت آرامی، تعلیم رزمی ندیده اند، به خصوص در مورد تعلیم توپ کاری صورت نگرفته است. حتی افسران وظیفه، رزمی خویش را نمی دانستند. از همین رو سپهسالار مرحوم شخصا توپ را به قلعه، تل نشانه گرفت و آتش کرد. مرمی توپ درست بر قلعه اصابت کرد و چون دقیقا اندازه گیری شده بود، اولین گلوله بر گدام قلعه اصابت کرد. باروت و توده های کاه ذخیره شده همه آتش گرفت و از قلعه ستونی از دود سیاه به آسمان بلند شد. ص ۷

چهرهٔ شاملو در هفده دفتر

۳

محمد اسحاق فایز

شاملو بیداد و استبداد را در هر جامه و لباسی نکوهش کرده است. وقتی اوضاع جاری و تاریخ گذشته را که در آن انسان ها به خاطر باورهای شان سرکوب می شدند، مرور می کرد و می دید، روحش ملالت و عذاب می کشید. سال هایی که انسان ها را به نام های قرمطی و رافضی می بستند و می کشتند. این استبداد شدید مذهبی، مایهٔ نگرانی او بوده و آن را نشان داده است:

نزدیک ترین خاطره ام خاطره ی قرن هاست
بارها به خون مان کشیدند.
به یاد آر
و تنها دست آورد کشتار
نان پاره ی بی قاتق سفره ی بی برکت ما بود

***

نماز گزاردم و قتل عام شدم
که رافضی ام دانستند.
نماز گزاردم و قتل عام شدم
که قرمطی ام دانستند.
آن گاه قرار نهادند که ما و برادران مان یک دیگر را بکشیم و این
کوتاه ترین طریق وصول به بهشت بود!

(در جدال با خاموشی - دفتر مدایح بی صله)

شاملو در شعرش حماسه های یاران ناشناسی را که در مقتل ها گلو بریده شدند، تیر باران شدند و با کت بسته به اعماق دریاها سپرده شدند زنده داشته است. یارانی که در زیبا مردن "چرب دست" اند:

هرچند نا به کارانی هستند آن سو
(چیره دستانی در حرفه ی "کت بسته به مقتل بردن")
و دلیرانی دریا دل این سو
چرب دستانی در صنعت "زیبا مردن"
همه جا هست اگر چند
(به خود می گویم، باز)
پل متروکی بر بستر خشک آبی
در یکی جاده کم آمد و شد
که پسین منزل و پایان ره مردم دریا دل باشد،
باز
زیر پل
دریا
از جوشن نمی ماند

(شعر بلند "پیغام"، دفتر مدایح بی صله)

شاملو می داند که دادگری در دنیایش محکوم است و "گرگان" در کمین اند تا این و دیعهٔ بزرگ خدا را بدرانند. او می داند که "گند جهان" "تعفن بیداد" انسان است:

اگر داد گر باشی؛
که در این گستره
گرگان اند
مشتاق بر دریدن بیداد گرانه ی آن
که دریدن نمی تواند!
و داد گری معجزه ی نهایی است.
و کاش در این جهان
مرده گان را روزی ویژه بود،
تا چون از برابر این همه اجساد گذر می کنیم
تنها دست مالی در برابر بینی نگیریم:
این پر آزار
گند جهان نیست
تعفن بی داد است.

(خطابهٔ آسان، در امید - دفتر ترانه های کوچک غربت)

شاملو آزادی را مایهٔ آبادانی و حضور واقعی انسان می داند. او باور دارد که چون آزادی قربانی شد، دیوارهای ستاده که نشانهٔ عمران و آبادانی است فرو می ریزد:

آه اگر آزادی سرودی می خواند
کوچک
همچو گلوگاه پرنده یی،
هیچ کجا دیوار فرو ریخته بر جای نمی ماند.
سالیان بسیار نمی بایست
دریافتن را
که هرویرانه نشانی از غیابت انسانی است
که حضور انسان
آبادانی است.

بدین گونه می توان در شعر شاملو در سراسر هفده دفتر شعرش، نمونه های درخشانی را به عنوان شاهد آورد که در آن اندیشه های سیاسی شاملو حضور به هم رسانیده است. در بسیاری از شعرهای اجتماعی و عاشقانه های او نیز می توان به رمز و رازهایی دست یافت که در لفافهٔ آن برداشت های سیاسی او قامت افراشته است، و به یقین نمونه دهی از همهٔ این موارد خود کتابی را فراهم می کند که در این مقال نگنجد. پس، مضمونی دیگر:

موسیقی و وزن

بسیاری ها در کشور ما می پندارند که شاملو، سپید گوی محض است و در اشعار او وزن، آهنگ و موسیقی وجود ندارد. ولی این واقعیت ندارد، آنها به کتاب های شاملو دسترسی ندارند که ببینند، بخوانند، شاملو، اشعار موزون زیاد دارد که در آن وزن عروضی و نیمایی به کار رفته است.

افزون بر آن شاملو، وقتی قلم بر می داشت بیشتر به موسیقی و آهنگ توجه می کرد. توجهی که از قرار گرفتن واژه ها در کنار هم ایجاد می شد. واژه ها در نظرش صدایی دارند که می توانند بسیار جای آن کمبود ها را پر کند.

من از اشعار موزون و نیمایی شاملو نمونه می آورم. بسیاری این اشعار زیبا و دلسپندند و درون مایهٔ بسیار بکری نیز دارند. ناگفته نباید گذاشت که شاملو درمیان شاعران ایران دارای زبانی است که هیچ شاعر دیگری آن را ندارد. او صاحب سبک خود است، مانند اخوان مانند، سهراب سپهری.

شاملو، شعری دارد که بر پایهٔ قالب چهار پاره سروده است، هر چند از گاه قاعدهٔ چهار پاره را درهم می شکند و بندهایش را دراز و مطول می سازد. مرغ دریا، در چنین قالبی سروده شده است:

خوابید آفتاب و جهان خوابید
از برج فار، مرغک دریا، باز
چون مادری به مرگ پسر نالید
گرید به زیر چادر شب، خسته
دریابه مرگ بخت من، آهسته

می بینید که او طوری شروع می کند که گویی چهار پارهٔ می سراید ولی در یک مصرع دیگر این بخشی را پایان می دهد. بعد یک بیت دیگر می آورد مانند مطلع یک غزل. شاملو در ادامه باز همین کار را می کند:

سر کرده باد سرد، شب آرام است
از تیره آب - در افق تاریک -
با قار قار وحشی اُردک ها
آهنگ شب به گوش من آید؛ لیک
در ظلمت عبوس لطیف شب
من در پی نوایی گمی هستم.
زین در به ساحلی که غم افزای است
از تحفه های دیگر سرمست ام.

***

می گیردم ز زمزمه ی تو، دل.
دریا! خموش باش دیگر!
دریا!
با نوحه های زیرلبی، امشب،
خون می کنی مرا به جگر...
دریا!

شاملو این شعر را با چهار پاره ادامه می دهد مگر در آخر که فقط یک بیت است:

خاموش باش، مرغک دریایی
بگذار در سکوت بماند شب
بگذار در سکوت بمیرد شب
بگذار در سکوت سرآید شب

(مرغ دریا - دفتر آهن ها و احساس ها)

آنچه باید گفته آییم این است که زبان شاملو در این اشعار و نمونه هایی دیگر موزون و آهنگینی آن زبانی خاص است، سبک، رسا و شسته، با تصاویر زیبا و تعابیری همان گونه.

این شعر حکایت گر روح سرگردان و دردمند اوست که در یک شب تاریک در کنار دریا، با مرغ دریا سخن می گوید. شاید هم این مرغ دریا خود شاملو باشد که "شب" و شب دریده و شب زدگان را خطاب قرار می دهد برای بیداری:

خاموش باش، مرغ! دمی بگذار
امواج سرگردان شده بر آب،
کاین خفته گان مرده مگر روزی
فریاد شان بر آورد از خواب

(همان شعر - همان دفتر)

آغشته به هوا

احمد رضا احمدی

روزهای یک زبان:
زبان آب و غم
و یک کلمه
- آغشته به هوا -
که شباهت به محرمترین دقایق یک حس دارد.
کسی در برف نبود که بداند
از چه چیز باید خجل بود و منجمد شد.
مخمل، صفت می شد.
اگر در باران راه می افتادیم
اگر کسی را می دیدیم
می توانستیم امید بداریم
که هنوز اسم هست.
شاید اسم
شاید چنگ.
نه!
شمع خاموش شد
زن، چشم سیاه داشت.
در بطن رگ
در کنار ملال
خنیاگران، همه چیز دنیا را
به صورت
سرخاب می داشتند.
تاجری شناخته نمی شد که از منطق بهراسد
منطق بوی عطر داشت.
غلغل آب بود و مرگ به روی ریگ.
زبان در پهناوری نیاموخت
که من مثل چه کس می توانم گریه کنم.
در این سخن گل نبود
بوسه، با ابر، گل را خاموش می کرد
به کنار صخره، نام از آسمان فرو می رفت
تا من
در نیستی
صادقانه ملتفت قوس و قزح
باشم.
غلغل آب بود و مرگ به روی ریگ.
غلغل آب بود و مرگ به روی ریگ.

معلم و مشروعیت حق خواهی

عبدالعلی کوهی

معارف جدید کشور در آغازین سال های قرن بیستم در افغانستان به فعالیت آغاز نمود. لیسهٔ حبیبیه در سال ۱۹۰۵ با تدرس مضمون های عصری و مدرن چون: ریاضی، فزیک، انگلیسی، تاریخ و علوم دینی به کمک استادان و معلمان هندی شروع به کار کرد. و سنگ بنای فعالیت تحصیلات عالی در سال ۱۳۱۱هـ که علوم طبی را شامل می گردید، به کمک و همکاری استادان ترکی در شهر کابل در منطقهٔ فعلی آن (علی آباد) گذاشته شد که بعدها دانشگاه کابل از آن متولد گردید. لیسهٔ حبیبیه منشأ بسیاری از فعالیت های سیاسی و ادبی در کشور بود.

اکثریت دانشمندان اعم از ادبی و سیاسی در این لیسه نزد استادان آن زمان تلمذ کردند و بعدها در کشور در مرکز هر حادثه و ماجرا قرار گرفتند. بعضی از این شاگردان لیسهٔ حبیبیه فعلاً در عمر بالاتر از ۷۰ سال قرار دارند و آن سان به زبان انگلیسی مسلط اند که گویی تازه از کشورهای انگلیسی زبان برگشته اند و به همین ترتیب در قسمت سایر علوم رایج کشور به همان پیمانه صاحب صلاحیت اند. با همان قوت و صلاحیتی که معارف عصری چه در بخش های ملکی و نظامی در کشور آغاز یافته بود، در کشورهای منطقه چنین درخشش وجود نداشته است. افغانستان از یک قرن بدین سو که از فعالیت معارف عصری آن می گذرد، مد و جذر های فراوانی را تجربه کرده است اما با آن هم نقش بایسته و شایسته در سیستم آگاهی جمعی انتقال علوم عصری در کشور داشته است. موجودیت نظام های ایدئولوژیک ضربهٔ سنگینی با نظام آموزش و پرورش در مقاطع مختلف زمانی وارد کرده است. تگناهای سیاسی، عده یی از معلمان کشور را متقاعد ساخت تا از روی اجبار به دستگاه های جهنمی رو آورند.

مکاتب به مرکز سربازگیری در زمان کمونیزم تبدیل گردید، در دانشگاه کابل استادان ذکور تا سن چهل سالگی مصونیت امنیتی نداشتند و سازمان های اولیه نظر به هدایات مقامات بالایی حزبی هر وقت می خواستند، این استادان را به مراکز سرباز گیری احضار می نمودند و به وظیفهٔ عسکری سوق می دانند. این ها و حوادث اخیر کشور همه پیکر توانمند معلم را در کشور نا توان ساخت و در نظام طالبانی معلم، مکتب و شاگرد به مضحکه یی تمام عیار تبدیل گردید.

در مکاتب چیزی برای شاگرد گفته می شد که نه به سواد آنها مفید بود و نه هم به معلومات دینی آنها.

اما امروز نظام آموزش و پرورش ما را چیز دیگری رنج می دهد، و آن دغدغهٔ اقتصادی است و غم نان نمی گذارد که معلم با برنامه و با آمادگی تام داخل صنف گردد. این وضع برای میلیون ها خانواده قابل تشویش است. فیصدی زیادی از معلمان

> **حکومت های موقت، انتقالی و جمهوری اسلامی افغانستان تا هنوز کدام برنامهٔ سراسری برای آحاد کارمندان دولت در نظر نداشته است، از جمله در مورد معلمان. از طریق مطبوعات آزاد و دولتی پاره یی از اعتراضات معلمان و استادان دارالمعلمین در کشور به آگاهی هموطنان رسانیده شد. این خواسته ها حق مشروع آنهاست، این اعتراضات یک سری اعتراضات سیاسی و تفوق خواهی و یا مشارکت بین بعضی احزاب و دولت و اقوام و دولت نیست**

از نبود معاش کافی، سرپناه و آیندهٔ خود رنج می برند و تا هنوز مظلومیت آنها را هیچ کس درک نکرده است. این بسیار مشکل است که یک شخص به جرم معلم بودن از جوانی تا پیری به فکر نان بوده باشد و با فقر زندگی کند. فرایند و نتیجهٔ این بی تفاوتی گسترش فرهنگ فقر در جامعه است.

حکومت های موقت، انتقالی و جمهوری اسلامی افغانستان تا هنوز کدام برنامهٔ سراسری برای آحاد کارمندان دولت در نظر نداشته است، از جمله در مورد معلمان. از طریق مطبوعات آزاد و دولتی پاره یی از اعتراضات معلمان و استادان دارالمعلمین در کشور به آگاهی هموطنان رسانیده شد. این خواسته ها حق مشروع آنهاست، این اعتراضات یک سری اعتراضات سیاسی و تفوق خواهی و یا مشارکت بین بعضی احزاب و دولت و اقوام و دولت نیست، بلکه این گونه مطالبه ها ارتباط می گیرد به آحاد خانواده های کشور که کودک شان شامل مکتب می گردد و معلم از چنان توان و انرژی سالم برخوردار نیست که دست این کودکان را بگیرد و آنها را آن سان که جامعهٔ امروز می خواهد آموزش و پرورش دهد. نمی شود با دفع الوقت نمودن، همه چیز را پایان یافته تلقی کرد و گفت قضیه خاموش گردید ویا گفت که دولت قادر نیست، در سیستم معاشات تغییر وارد کند، مالیه ها کم تر دستیاب می گردد و...

این آلودگی سیاست است. امروز پول های زیادی به نام افغانستان در داخل به مصرف می رسد، اما معلم، استاد و کارمند دولت از آن بی بهره است، پس ظرفیت سازی چه معنی دارد. اگر این پول های کلان داخل کشور نگردد و دولت فقط متکی به خود گردد. هر معلم حاضر است به خاطر وطن تمام سال بدون اجرت تدریس نماید. اما در صورتی که دیگران پول های کلان به دست می آورند و زندگی پر زرق و برق می سازند، ولی معلم در جنبرهٔ فقر قرار دارد. این کار جریان خصوصی سازی مکاتب را سرعت می بخشد و کسانی که توانایی مالی دارند، به یقین از آن استقبال می کنند. اما اکثریت مردم شاید قادر به پرداخت حق التدریس برای معلم نباشند.

تا زمانی که مردم و خانواده ها از مستوی و سطح بلند اقتصادی برخوردار نگردند، دولت مکلف به پرداخت معاش متناسب با نیازمندی های روزمرهٔ یک معلم است این اعتراض از سوی معلمان فقط یک جسارت و جرأت اخلاقی نیست بلکه آنها از حق مشروع خود می خواهند دفاع کنند در غیر آن نظام آموزش و پرورش در کشور بی کیفیت گردیده و جبران آن مشکل خواهد بود. هر کارمند دولت به شمول معلم، استاد وغیره این حق را دارد که از دولت، حد اقل رفاه آبرومندانه را مطالبه نماید، در غیر آن بحران اعتماد بین دولت و کارمندان دولت عمیق تر خواهد گردید و ضریب اشتباهات دولت بیشتر.

ولسي جرګې ته باید څوک وټاکل شي؟

که دګران هېواد افغانستان دتاریخ پاڼي راواړوو او په پوره پاملرنې سره يې ولولو نودابه جوته شي چې افغانانو دتاریخ په اوږدوکې چاته دبې ننګۍ سرنه دی ټيټ کړي او تل يې له هېواد څخه ددفاع په خاطر غلیم ته خپلي سینې سپر ګرځولي. خو ددی واک يې چاته ندی ورکړي ،چې څوک وربانـدي تیري وکړي او یا يې خپلواکي ته زیان ورسوي. دوي خپله مبارزه په خبرو نه بلکي په عمل کې جوته کړي.چې څرګنده بیلګه يې دافغانستان دجمهور رئیس ښاغلي حامد کرزي ټاکنه ده، چې ددي هېواد وګړو په پوره میړانه اومتانت سره نارینه اوښځو په ټول ټاکنو کې ونډه واخیسته، سره له دي چې دهېواد دښمنانو له خوا ورته ګواښونه کېدل اوهڅوي يې دټاکنو له بهیر څخه په رنګ رنګ پلمو را ګرځول .خو بیاهم افغانان دهغوي له ګواښونو ونه ویریدل او په پوره میړانه اوغیرت يې دصندوقونو په لور وروداننګل او دهېواد دزعیم په ټ کلو کې يې ونډه واخیسته.دحامد کرزي دټاکلو سره سم دهېواد په هره برخه کې دسولي او امنیت دټینګولو اوبیا رغاوني کارونه پیل شول اوترپوي اندازي دهېواد دپرمختګ په لور خوځښت رامنځته شو.

په څرګنده سره وبلاي شو چې دافغانانو دا کار د هېواد دپرمختګ په لور یومثبت ګام

وچې پورته شو اوهېواد يې نور د خپل منځي او ټپل شویو جګړو له ناوړین څخه وژغوره.

داچې اوس بیا هم دداسې یوي آزموینې په درشل کې یو چې داولسي جرګې اوولایتي شوراګانو ټول ټاکنوکې دي قرارلـرواوورخ په ورخ ورنـږدي کیږو، نوڅرګنده ده چې هېواد بیا د افغانانو میړانې ته اړتیا لري او هغه په ټولټاکنوکې ونډه اخیستنه ده، لازمه ده ،چې بوځل بیا دهېواد دسوکاله اوپرمختللي راتلوونکې په موخه دانتخاباتو صندوقونو ته لاړشو اوخپلي رایي هغه چاته ورډالي کړو،چې په صداقت اوایمان داري سره ددي مظلوم هېواد لپاره دخدمت جوګه شي اودهېواد په بیا رغونه کې پیاوړي ګامونه پورته کړي. له قومي، نژادي او هرډول کینې پرته دیوموټی افغانستان په جوړولوکې لستوڼي راونغاړي.نور دچاپه غلطو وعدو باندي ونه غولیږي. دخپلو کارونو په سرته رسولوکې جدي اوځانګړي ګامونه پورته کړي ،ځکه ددي هېواد وګړي جګړو دځوندانه په هره برخه کې خپلي، بې کوره شوي، بهرته مهاجر شوي اوچاهم دجګړو په مهال کې دخپل وجود غړی اوبیاهم دکورنۍ غړي يې له لاسه ورکړي دي .له بلي خوا اقتصادي ستونزو داسې له پښو غورځولي چې دبیګاه اوسبا پر دوډۍ حیران دي. نوله هرڅه مخکې دوي ددي هېواد ودانول او په خپل ژوند کې يسابنه غواړي نور د جګړوڅخه ستومانه شوي او دسوله ییز ژوندانه په راوستوکې هرراز ځان ښندنې ته چمتو دی.

ذبیح الله اتل

برنامهٔ تبلیغاتی تمویل شده، کاندیداهای سراسر افغانستان را جذب می نماید

بیش از ۶۰۰ تن از کاندیداهای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی از فرصت فراهم شده جهت نشر مجانی پیام های انتخاباتی شان برای رأی دهندگان از طریق برنامهٔ کمپاین تبلیغات تمویل شدهٔ کمیسیون رسانه های خبری استفاده کرده اند. کاندیداها می توانند تحت پوشش این کمپاین که توسط تمویل کنندگان بین المللی کمک می شود، پیام های مبارزات انتخاباتی شان را بدون هرگونه هزینه و مصارف در هر یکی از ۸۴ ادارهٔ نشراتی به شمول اکثر دستگاه های رادیو و تلویزیون خصوصی و دولتی به نشر برسانند. کاندیداها باید رادیو یا تلویزیونی را در ولایت مربوطهٔ شان انتخاب کنند که در فهرست رسانه های اشتراک کنندهٔ کمیسیون رسانه های خبری موجود باشد.

نشرات توسط کمیسیون رسانه های خبری تنظیم می گردد تا اطمینان حاصل گردد که همه کاندیداها فرصت مساوی جهت تبلیغ پالیسی های کمپاین انتخاباتی شان را برای رأی دهندگان دارا می باشند، بدون این که موضوع داشتن یا نداشتن وجه مالی برای مبارزات انتخاباتی شان مطرح باشد. کاندیداهایی که عضویت احزاب سیاسی را دارند می توانند در جریان نشر پیام های خود آزادانه در مورد احزاب شان صحبت نمایند.

جان متیسن، رئیس کمیسیون رسانه های خبری می گوید: "ما کاندیداها را تشویق می نماییم که فوراً به دستگاه نشراتی یی که برای شان نهایت مناسب است بروند و پیام خود را ثبت نمایند. مخارج این خدمات توسط تمویل کنندگان پرداخت گردیده و توسط کمیسیون رسانه های خبری تنظیم می شود تا اطمینان حاصل شود که تمام کاندیداها به طور مساویانه از رسانه ها جهت اعلان نمودن پالیسی های شان به رأی دهندگان استفاده می نمایند".

هر کاندیدایی که می خواهد پیامی را به نشر برساند می تواند به خواست خود به هر یکی از دستگاه رادیو و تلویزیون مراجعه کند و خواستار پخش پیام خود شود. دستگاه باید جهت کسب جواز با کمیسیون رسانه های خبری در تماس شود. در وقت صدور جواز باید اطمینان حاصل شود که کاندیداها بیشتر از یک دستگاه برای نشر نمودن پیام شان استفاده نمی نمایند.

آقای متیسن می گوید: هنوز هم ولایاتی وجود دارد که در آن هیچ کاندیدا غرض نشر پیام های مبارزات انتخاباتی شان به دستگاه های رسانه یی مراجعه نکرده اند. وی از کاندیداهایی که تا کنون این کار را انجام نداده اند تقاضا نمود تا هرچه زود تر پیام های مبارزات انتخاباتی شان را تهیه و نشر نمایند.

کاندیداهای ولسی جرگه می توانند پیام های شان را دو مرتبه نشر نمایند. آقای متیسن در این مورد می گوید: "اما دستگاه های مذکور پیام دومی کاندیداهای ولسی جرگه را در فاصلهٔ کمتر از هفت روز نشر نمی توانند. هرگاه کاندیداها زود تر مراجعه نکنند، در آن صورت قادر نخواهند بود تا پیام های شان را برای بار دوم نشر نمایند".

ولسی جرگه یی می تواند به وظایفش عمل کند که کاملاً به ارادهٔ مردم انتخاب شده باشد

روز پنجشنبه ۳ سنبله شماری بزرگ از کاندیداهای ولسی جرگه و رهبران و نمایندگانی از برخی احزاب سیاسی در هتل پروان گردهم آمده بودند و در بارهٔ دلهره ها و اضطرابها و شک وتردید هایی که در مورد شفافیت انتخابات وجود دارد و راه های جلوگیری از جعل و تقلب در آن به بحث و مذاکره پرداختند. آقای قانونی و آقای محقق و آقای مهندس احمدشاه احمدزی و آقای عبدالحفیظ منصور و کسانی دیگر از سخنرانان این همایش بودند. همهٔ این سخنرانان دربارهٔ برگزاری منصفانه و عادلانهٔ انتخابات اظهار تشویش و نگرانی کردند. چاپ چهل میلیون ورق رأی دهی و انتقال صندوق های رأی از محلات رأی گیری به مراکز شمارش آرا، و عدم حضور نمایندگان احزاب در ساختار کمیسیون برگزاری انتخابات و مسائل دیگر را از مواردی برشمردند که احتمال تقلب و جعل را وارد می سازد و نگرانی ایجاد کرده است.

آقای واقف حکیمی در این همایش به عنوان یکی از کاندیداهای ولسی جرگه در کابل و به نمایندگی از جمعیت اسلامی افغانستان سخنانی ایراد کرد. او گفت بر اساس قانون اساسی افغانستان پارلمان سه وظیفهٔ مهم دارد: قانون گذاری و ایجاد اصلاحات در نظام و نظارت بر کارنامه ها و برنامه های حکومت.

این وظایف را زمانی پارلمان می تواند به درستی انجام بدهد که واقعا توسط مردم انتخاب شده باشد و اگر قرا رباشد که در انتخابات پارلمانی آینده که در ۲۷ سنبله جاری برگزار می شود تقلب و جعل کاری صورت پذیرد این کار نه تنها مشروعیت پارلمان را خدشه دار می کند که مشروعیت نظام را نیز خدشه دار می سازد. مشروعیت نظام کنونی وقتی به کمال می رسد که پارلمان به وجود بیابد، پارلمانی که برپایهٔ انتخابات منصفانه و عادلانه تشکیل گردد، و اگر جعل و تقلب در انتخابات رخ داد این کار گذشته از آن که مشروعیت نظام را زیر سؤال می برد حضور کشورهای صاحب منافع و مصالح در افغانستان را نیز زیر سؤال می برد و چنین پارلمانی هر گز نمی تواند وظایف قانونی و طبیعی اش را انجام بدهد و در نتیجه دموکراسی به هیچ وجه نمی تواند در افغانستان تحقق بپذیرد. آیا می شود دموکراسی بدون پارلمان را تصور کرد، البته پارلمان واقعی و منتخب به ارادهٔ مردم را ؟

پارلمان آینده باید برای بسیاری از بحران ها و معضل های تاریخی و مزمن جامعهٔ افغانستان در زمینه های گونه گون راه حل های واقعی و عملی جستجو کند واین زمانی میسر می شود که انتخابات پارلمانی کاملاً منصفانه و عادلانه برگزار گردد، و اگر در آن دخل و تصرفی صورت بگیرد نه تنها نمی تواند به بحران راه حل ارائه کند و معضلی را بردارد بلکه خود موجب بحرانی تازه می شود و مانع ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی می گردد. این کار هم به زبان مردم و هم به زبان حکومت و هم به زبان کشورهای دارای حضور و منافع در افغانستان خواهد بود.

واقف حکیمی افزود: مهم ترین شعار و هدف نظام کنونی افغانستان پس از تحولات اخیر تحقق بخشیدن به دموکراسی و مردم سالاری در افغانستان بوده است و اگر انتخابات واقعی برگزار نشود، به یقین نظامی خواهیم داشت که از دموکراسی و جمهوریت فقط نام آن را خواهد داشت که رژیم های کمونیستی را که خود را دموکراتیک می خواندند در ذهن تداعی خواهد کرد و نظام ما به صورت بسیاری از جمهوری های خاورمیانه در خواهد آمد، جمهوری هایی که آنها را جمهوری های پادشاهی می گویند، چون در آن کشور ها انتخابات واقعی صورت نمی پذیرد.

واقف حکیمی گفت: من در این جا به نمایندگی از جمعیت اسلامی افغانستان به تصریح می گویم که جمعیت به شدت مخالف هر گونه تقلب و جعل کاری در انتخابات است و نگرانی هایی در این زمینه دارد و با آن که جمعیت مخالف حکومت نیست و در جبههٔ تفاهم عضویت ندارد ولی شدیداً طرف دار آن است که دولت با احزاب سیاسی و شخصیت های ملی مشترکا تلاش بکنند تا راه هایی برای جلوگیری از حدوث تقلب و جعل احتمالی در روند کار انتخابات پیدا کنند.

جمعیت به شدت مخالف هر گونه تقلب و جعل کاری در انتخابات است و نگرانی هایی در این زمینه دارد و با آن که جمعیت مخالف حکومت نیست و در جبههٔ تفاهم عضویت ندارد ولی شدیداً طرف دار آن است که دولت با احزاب سیاسی و شخصیت های ملی مشترکاً تلاش بکنند تا راه هایی برای جلوگیری از حدوث تقلب و جعل احتمالی در روند کار انتخابات پیدا کنند

***

واقف حکیمی در جمعهٔ گذشته در مسجد جامع فامیلی های رشخور در پیش از برپایی نماز جمعه یک سخنرانی کوتاه کرد و وظایف پارلمان آینده را بر اساس قانون اساسی و نقش آن در نظام سیاسی کشورمان توضیح داد و مسؤولیت های مردم را در انتخابات بر شمرد.

او گفت که شرکت در انتخابات و توجه به گزینش نمایندگان صالح و لایق و کاردان نه تنها یک مسؤولیت سیاسی محض است بلکه بر اساس فرهنگ دینی ما یک رسالت دینی و یک تکلیف شرعی نیز است. بسیاری از مفسران این آیت کریمه (إن الله یأمركم أن تؤدوا الأمانات إلى أهلها و إذا حكمتم بين الناس أن تحكموا بالعدل) را مربوط به دولتداری و حکومت کردن دانسته اند که باید امانت را به اهلش بسپارند یعنی برای فرمانروایی و مدیریت جامعه تان باید افراد شایسته و لایق را انتخاب کنید. بی تردید پارلمان بر اساس نظام های سیاسی امروز یکی از بخش های بسیار مهم دولتمداری و فرمانروایی و رهبری جامعه است. لهذا گزینش افراد شایسته و دارای اهلیت برای رهبری جامعه از جمله پارلمان یک تکلیف شرعی است و اگر کسی در آن بی توجهی کند گناهکار می شود. علما برای شایستگی و اهلیت رهبری جامعه در تفسیر این آیت که ذکر شد دو شرط آورده اند یکی پای بندی به معتقدات و ارزش های دینی و دیگری ورود و توانایی داشتن بر کاری که به وی سپرده می شود به اصطلاح امروز تعهد و تخصص داشتن را شرط اهلیت دانسته اند.

شرکت در انتخابات و توجه به گزینش نمایندگان صالح و لایق و کاردان نه تنها یک مسؤولیت سیاسی محض فرهنگ دینی ما یک رسالت دینی و یک تکلیف شرعی نیز است است بلکه بر اساس فرهنگ دینی ما یک رسالت دینی و یک تکلیف شرعی نیز است

پارلمان جای قانون گذاری و نظارت بر کارنامه ها و برنامه های حکومت است، جایی است که حکومت در آن مورد محاسبه قرار می گیرد و بر کارهایش به نمایندگی از مردم نظارت و کنترول صورت می گیرد لهذا باید افرادی را که به این پارلمان معرفی می کنید هم با وجدان باشند و هم قدرت و توانایی انجام دادن این وظایف را داشته باشند. جامعهٔ ما در عرصه های گونه گون حیات، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و وحدت و همدلی و توسعه و رفاه مسائل بسیار مهم برای حل کردن دارد و پارلمان جای انجام این کارهاست، بناء باید در گزینش نمایندگان بسیار توجه شود که یک پارلمان راهگشا و کارکشا به وجود بیاید.

من هرگز مدعی داشتن این شرط ها به کمالش نیستم ولی یک چیز را می توانم به صراحت ادعا کنم که تا امروز الحمدلله کارهایی که به من سپرده شده است آن را به امانت داری انجام داده ام و مرتکب خیانتی نشده ام. و اگر به همت شما و اعتماد شما به پارلمان رفتم تعهد می سپارم که از منافع و مصالح شما و منافع و مصالح کشور به هیچ وجهی نخواهم گذشت و همچون گذشته در کنار شما خواهم ماند.

سفر نخست وزیر هندوستان به ...

همچنان او در اجتماع معلمان و شاگردان لیسهٔ حبیبیه با یاد آوری از دوستی دیرینه و معنوی میان دو کشور گفت: خوشحال هستم که اولین مدیر این لیسه عبدالغنی خان از هندوستان بود که صد سال قبل در افغانستان خدمت می کرد. وی گفت: هندوستان در مراحل مختلف معلمان زیادی را به این لیسه فرستاده است تا جوانان را آموزش دهند.

لیسهٔ حبیبیه که نمونه یی از همکاری و مناسبات دیرینهٔ کشور هندوستان می باشد، در دوران جنگ های داخلی قسما تخریب گردیده بود و اخیراً به مساعدت کشور هندوستان بازسازی گردید. او همچنان از باغ بابرشاه و کاوش هایی که در این باغ انجام شده است، دیدار کرد.

من موهن سنگهـ در این سفرش ساختمان جدید سفارت هند در کابل را اساس گذاشت او همچنان در دومین روز اقامت خود در کابل در مراسم تهداب گذاری عمارت پارلمان افغانستان که توسط محمد ظاهر شاه پیشین انجام یافت، اشتراک نمود. مصارف مجموعی ساختمان جدید پارلمان کشور که در ساحهٔ هشتاد جریب زمین در مدت چهار سال اعمار [illegible] دلار تخمین گردیده است که بیست و پنج میلیون دلار آن را کشور هندوستان می پردازد. همچنان نخست وزیر هند در این مراسم گفت: پارلمان افغانستان به یک چنار مستحکم دموکراسی مبدل خواهد شد و قلب دموکراسی را در این کشور تشکیل خواهد داد. ما به این عقیده هستیم که نهادهای دموکراتیک باید تقویه شود و این نهادها مطابق به فرهنگ و ارزش های ملی یک کشور باید انکشاف یابد.

نخست وزیر هند همکاری کشورش را به خاطر مبارزه علیه تروریزم اعلام کرد و گفت که ما آمادهٔ هر نوع همکاری هستیم تا ثابت بسازیم که این کشور جایگاه تروریستان نباشد.

همچنان حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در این مراسم سخنرانی کرد و گفت: خوشحالیم که سنگ تهداب پارلمان کشور را با حضور صدر اعظم هند، کشوری که ممثل دموکراسی در جهان است، می گذاریم و آرزومندم که پارلمان ما به مثابهٔ ضامن و نگهبان دموکراسی عمل نماید.

حامد کرزی گفت که مهم تر از همه این است که تعمیر شورای ملی نیز به کمک هندوستان اعمار می گردد و این اقدام نمایانگر همکاری قوی هند در تحکیم پایه های دموکراسی می باشد که مردم افغانستان به این کمک ها به دیدهٔ قدر می نگرند.

حامد کرزی گفت: می خواهیم افغانستان پل ارتباطی میان آسیای جنوبی و مرکزی باشد و کشورهای همسایه و منطقه از این امکانات افغانستان در توسعهٔ تجارت و پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی استفاده نماید.. او همچنان گفت که بهتر شدن روابط هند و پاکستان به نفع امنیت و اقتصاد منطقه می باشد.

خانم گورشرن همسر نخست وزیر هند با مسعوده جلال وزیر امور زنان دیدار کرد و مساعدت یک هزار پایه ماشین خیاطی را به آن وزارت اعلام کرد. هم چنان در مورد اعمار پولی تخنیک برای زنان و تأسیس باغ های زنانه در مرکز و ولایات و ایجاد کورس های مسلکی وعدهٔ همکاری داد.

در پایان این مسافرت اعلامیهٔ مشترکی به نشر رسید. در این اعلامیه علاوه از مساعدت های آن کشور در عرصه های بازسازی افغانستان از انتقال لولهٔ گاز از ترکمنستان به هند از طریق افغانستان پشتیبانی گردیده است. تحلیل گران سیاسی سفر نخست وزیر هند به افغانستان را یک سفر خاص و تاریخی خوانده اند. پس از سه دهه این نخستین سفر یک مقام عالی رتبهٔ کشور هند به افغانستان می باشد. بیشتر این سفر از جهت مناسبات هند با پاکستان و افغانستان با پاکستان قابل توجه است.

سفر وی در ماه گذشته به ایالات متحدهٔ امریکا و انجام مذاکرات رسمی با جورج بش رئیس جمهوری ایالات متحدهٔ امریکا آغاز مرحلهٔ جدید مناسبات این دو کشور و شکل گیری مناسبات سیاسی جدید در منطقه می تواند به حساب آید.

نخست وزیر هند در یک مصاحبهٔ اختصاصی با تلویزیون طلوع از موجودیت نیروهای نظامی امریکا در افغانستان در دراز مدت ابراز و حمایت کرد. این نخستین ابراز نظر یک مقام عالی رتبهٔ کشور هند در این زمینه می باشد. نخست وزیر هند موجودیت نیروهای نظامی امریکا را مربوط به تصمیم گیری مردم کشور دانست که خود می توانند در مورد موجودیت و یا عدم موجودیت آن تصمیم اتخاذ نمایند.

افراسیاب ختک تحلیل گر مسائل سیاسی در پاکستان در مورد سفر نخست وزیر هند به افغانستان گفت: حمایت و پشتیبانی هند از افغانستان برای اعمار افغانستان مترقی و دموکراتیک بسیار مهم است.

وی گفت: هند یک نیروی مهم منطقه است و حکومت افغانستان با مناسبات نزدیک تر به هند می تواند یک پشتیبان و دوست مهمی را همراه خود داشته باشد.

وی در مورد نگرانی هایی که از این سفر در پاکستان به میان آمده است، گفت: متأسفانه در پاکستان یک سلسله افراد، عناصر و محافلی هستند که از گسترش مناسبات هند و افغانستان به تشویش هستند. به خصوص از ایجاد قونسلگری های جدید هند در مناطق سرحدی افغانستان در نزدیکی پاکستان تشویش دارند و در گذشته این اقدامات را علیه منافع پاکستان تلقی می کردند.

انتخابات پارلمانی وچالش های آن ...

عمدتاً به ضعف اقتصادی دچار اند، تا حد زیادی نا مساعد ساخته است.

کاندیداهایی که به دستگاه قدرت ویا به احزاب سیاسی تعلق دارند ویا هم از راه های نا مشروع، سرمایه اندوخته اند، با هزینه کردن پول های گزاف به تبلیغات می پردازند و برخی از مردم ساده دل را تطمیع می نمایند و مردم هم، چون از سواد کافی بر خوردار نیستند و مدتی دراز در سایهٔ زور و استبداد زندگی کرده اند و هنوز آگاهی لازم در مورد حق رأی و آزاد بودن انتخابات ندارند فریب همین افراد زور سالار و زر سالار را می خورند.

و برخی کاندیداهایی از همین دست در بعضی ازجای ها در میان مردم شایعه انداخته اند که آن ها به کمیسیون انتخابات و دولت واحزاب سیاسی رابطه دارند، لذا اگر مردم برای شان رأی بدهند یانه ، وارد پارلمان می شوند! این مسائل همه می تواند برای نامزدهای غیر وابسته مشکل آفرین باشد و منصفانه بودن انتخابات را زیر پرسش ببرد.

آقای تقدسی راه های حل این مشکل را چنین بررسی نمود:

راه حل مشکل این است که کمیسیون مشترک تنظیم انتخابات با همکاری دولت و جامعهٔ بین المللی، زمینه های کارزار تبلیغاتی را برای همه کاندیداها به گونه یی برابر فراهم کند و برای هیچ کس اجازه ندهد که به وسیلهٔ پول وامکانات مادی به تطمیع رأی دهندگان بپرداز متأسفانه که کمیسیون محترم انتخابات به جای این که چنین کاری را به مثابهٔ یکی از مؤلفه های برگزاری عادلانهٔ انتخابات انجام می داد، بر عکس برای کاندیداها اجازه داده است تا مبلغ هفت صد و پنجاه هزار افغانی را در کمپاین خود هزینه کنند! این امر می تواند زمینه ساز تزویر و تقلب در انتخابات به شمار برود و باعث به حاشیه رفتن کاندیداهای شایسته اما بی بضاعت گردد.

همچنان راه اندازی یک کمپاین عمومی و سراسری از طرف دولت، مطبوعات و کمیسیون انتخابات ، برای آگاهی دادن مردم در مورد انتخابات، اهمیت رأی و انتخاب گزینه های شایسته در روز رأی دهی می تواند یکی دیگر از راه های حل باشد که این کار هم تا کنون در برنامهٔ کاری مراجع یاد شده قرار ندارد.

او با اشاره به مسؤولیت های دولت و دست اندرکاران انتخابات گفت:

وظیفهٔ دولت و ستاد مشترک تنظیم انتخابات فراهم کردن زمینه های برگزاری یک انتخابات عادلانه است که تا کنون هر دو مرجع آن گونه که لازم هست در این راستا گام برنداشته اند و کارهای هر دو ارگان تاکنون با شک و تردید همراه است؛ مثلاً چاپ چهل میلیون برگهٔ رأی دهی که شانزده میلیون از حد نیاز اضافه است، اجازهٔ مصرف بیش از حد پول و تقرر افراد محلی و وابسته به کاندیداها در دفاتر ولایتی کمیسیون انتخابات و همچنان معرفی برخی از کاندیداها به والی ها از طرف دولت، کارهایی است که هر انسان را در مورد منصفانه بودن انتخابات آینده بدبین می سازد.

آقای تقدسی در مورد مسؤولیت مردم در انتخابات گفت:

مسؤولیت مردم در قبال انتخابات و در روز رأی گیری بسیار سنگین و تعیین کننده است؛ در انتخابات افراد زیادی که واجد شرایط نیستند و سابقهٔ خوبی هم ندارند، در کنار افراد شایسته خود را نامزد کرده اند، اگر مردم در روز انتخابات با احتیاط به پای صندوق های رأی بروند و آرای شان را به عنوان بزرگ ترین امانت الهی به کاندیداهای شایسته و با تقوا ندهند، طبعا همین نا شایسته ها و همین بندگان زر و زور به پارلمان می آیند و در این صورت پارلمان به جای این که باز تاب دهندهٔ درد ملت و ممثل ارادهٔ مردم باشد، جای معامله و جفا کاری خواهد بود.

بنا بر این مردم باید بدانند که اگر آنها تصمیم بگیرند که برای افراد غیر واجد شرایط رأی ندهند هیچ قدرتی نمی تواند آن ها را به پیروزی برساند. این شایعات که شماری از افراد وابسته در صورت نگرفتن رأی هم به شورای ملی خواهند رفت یک تلقین نادرست است و برای فریب مردم به راه انداخته شده است و مردم باید متوجه باشند که دیگر فریب نخورند و در روز انتخابات جز خدا هیچ کسی دیگر نمی داند که کی به کی رأی داده است.

حاجی فیاض احمد، کاندیدای ولسی جرگه در ولایت کابل در مورد اهمیت، پارلمان می گوید:

پارلمان قوی و نیرومند که متشکل از نماینده های آگاه، چیز فهم و منتخب مردم باشد، نقش تعیین کننده و کلیدی در حیات سیاسی کشور دارد.

پارلمان یگانه مرجعی است که از قانون اساسی یک کشور حراست می نماید و باید گفت که در کنار سایر مسایل پارلمان با نظارت از عملکرد دولت می تواند جامعه را به طرف رفاه برد.

آرا، افکار و نظریات تمام اقوام، نژاد ها و مذاهب و ... یک کشور در پارلمان آن تمثیل می گردد که این خودمبین وحدت ملی می باشد.

او در مورد اهداف یک عضو پارلمان گفت:

برای یک وکیل منتخب چهار هدف اساسی باید منظور باشد.

- حفظ وحدت ملی ، تمامیت ارضی، حراست از قانون اساسی.
- نظارت بر عملکرد دولت، قوای اجرائیه و قضائیه.
- ارائه طرح های منطقی و مناسب در راستای ترقی و تعالی کشور، بالا بردن سطح تجارت، صنعت و عواید داخلی.
- ارائهٔ طرح های معقول در جهت دیپلماسی سالم و سیاست خارجی معقول که در پرتو آن منافع کشور حفظ گردد.

عبدالحفیظ همام کاندیدای ولسی جرگه در ولایت تخاردرموردمشکلات کاندیداها چنین ابراز نظر نمود:

از آن جایی که اکثر مردم ما از اهمیت پارلمان در تعیین سرنوشت شان آگاهی ندارند عده یی از کاندیداها که از امکانات مادی بر خوردارند بر مردم تأثیر وارد نموده و با استفاده از پول و نیرنگ خویش می توانند رأی بشتر مردم را از آن خود سازند و اشخاصی که بایستی نماینده های واقعی ملت باشند از صحنه دور می شوند این بزرگ ترین نگرانی من است. آقای همام راه های حل این مشکلات را بلند بردن سطح آگاهی مردم و موجودیت معیارهای معین برای کاندیدا شدن افراد، قلمداد نمود و علاوه کرد:

متأسفانه هیچ معیاری برای نامزد شدن در انتخابات پارلمانی وجود نداشته که هر کسی به هر سویه یی خود را نامزد نموده است این امر از اهمیت پارلمان می کاهد و مسؤولان انتخاباتی مسؤولیت آن را بر عهده خواهند داشت. او در مورد مسؤولیت های مردم گفت:

انتخاب فرد سالم و بادرد به عنوان نماینده به پارلمان یک وجیبهٔ ایمانی و میهنی هر فرد ملت می باشد که هر گونه اهمال در این امر بازی به سرنوشت کشور خواهد بود.

ژنرال عبدلقهار شمس یکی از کاندیدای دیگر ولسی جرگه در شهر کابل مسؤولیت یک وکیل پارلمان را اعادهٔ حقوق افراد جامعه خواند و در مورد اهمیت پارلمان گفت: بزرگ ترین اهمیت پارلمان ایجاد حاکمیت مردم سالار می باشد چیزی که در طول تاریخ، افغانستان از آن محروم بوده است.

رستم ملکیار

غزه از اشغال تا ...

به گفتهٔ بسیاری از صاحب نظران عرب، صلح در فلسطین و اسرائیل با جداسازی حاصل نمی شود، تا وقتی که فلسطینی ها زندانیان بزرگ ترین زندان دنیا هستند، حق زندگی و سفر مثل هر شهروند اسرائیلی را نداشته باشند، صلح ناممکن است. بسیاری از افراطیان مناطق اشغالی به بچه های فلسطینی که در راه مدرسه باید از نزدیکی مناطقی که روزی خانهٔ آنها بود، بگذرند، سنگ پرتاب می کنند ولی در این میان رسانه های غربی نیز در این راستا مسؤولیت شان را آن چنان که می بایست ادا نکرده اند.

دلایل عقب نشینی اسرائیل از برخی شهرک های نوار غزه

موضوع فلسطین مسألهٔ مهمی است و باید مورد حمایت مسلمانان قرار گیرد؛ چون این یک وظیفهٔ دینی و انسانی هر مسلمان است که مظلوم را حمایت نماید و ظالم را نکوهش کند.

فلسطین کشوری است دارای انسانهایی از ادیان مختلف ولی زیر حاکمیتی خورد می شوند که بدون در نظر گرفتن مشروعیت به اعمال زور و حاکمیت پرداخته و آزادی بیان و اندیشه و دین و... را از آنان به یغما برده است و به همین دلیل است که تا کنون بسیاری از دولت های دنیا به اسرائیل نمی توانند صفت رژیم یا حکومت را بدهند چون بیش از ۵۰ سال است آدم در آن سرزمین کشته می شود و هیچ کس پاسخگوی آن نیست و همچنان بیش از ۵۰ سال می شود خانه ها در این سرزمین زیر زنجیرهای تانک ها ویران می شود و هرگونه ظلم را بر فلسطینیان روا داشته می شود و به همین اساس بسیاری ها معتقدند که این عقب نشینی نا به هنگام اسرائیل از نوارهای غزه، مشکوک به نظر می رسد و به گفتهٔ گروه حماس، اسرائیل مدت های مدیدی از سرزمین موعود! فقط با زور وادار به عقب نشینی شده بود ولی متأسفانه علی رغم ارتکاب این گونه اعمال خشونت آمیز، قدرت نظامی و مالی آمریکا را با خود دارد مثلاً اجازه دارد که بمب اتم بسازد و بعید به نظر نمی رسد که فعلاً بمب اتمی داشته باشد و هر گونه سلاح پیشرفته یی که به ذهنتان می رسد، از رسانه های جهانی گرفته تا هنرهای هفت گانه را تحت سلطه دارد و جای تعجب هم همین است که این ها می خواهند جهانیان را گول بزنند، از یک سو شعار دموکراسی و حمایت از حقوق بشر را سر می دهند و از سوی دیگر مرتکب این گونه اعمال خشونت آمیز می شوند همچنان از یک سو بالای دولت ایران فشار آورده می شود که تولید سلاح های هسته یی اش را متوقف سازد ولی از سوی دیگر برای اسرائیل هیچ گونه ممانعتی در این راستا وجود ندارد.

یک دختر هشت ساله از مرگ نجات یافت

کرشمه یک دختر افغانی است که هشت سال دارد، او از تولد دچار بیماری قلبی بود و در طی هشت سال زندگیش به مشکل مواجه بود او می خواست مانند دختران هشت سالهٔ دیگر با نیرومندی حرکت کنند و مانند آنان گشت و گذار نماید ولی او توان آن را در خود نمی دید. او در شفاخانهٔ نیروهای ائتلاف در چهار آگست در بگرام توسط دکتر مایرس مورد عملیات قرار گرفت و تندرستی کودکانهٔ خود را دریافت.

قرار بود که کرشمه با پدر و مادرش توسط کارمندان صحی نیروهای ائتلاف جهت تداوی به امریکا برده شوند ولی زمانی که عمل جراحی او را دکتر مایرس یک جراح نیروهای ائتلاف در شفاخانهٔ بگرام موفقانه انجام داد، رفتن آنان به امریکا صورت نگرفت.

نگاهی نو به تاریخ ...

مجاهدین با دیدن این وضع به قرا، کاه گرد و نواحی شهر که هنوز هم در تصرف انگریز ها بود حمله کردند. لشکر از دیدن این منظره از خوشی در جامه نمی گنجید. چند گلوله، دیگر نیز به سوی قلعه آتش شد. چون باروت و گلوله، آن اندک بود و امید آمدن مهمات از کابل نبود از همین رو فیر آن توقف داده شد...

بنابراین برخلاف آنچه غبار می گوید که "آتش باری توپخانه، افغانی دیگر گل شدنی نبود" فقط چند فیر گلوله به قلعه، تل صورت گرفت که فقط از یک توپ استفاده شد؛ زیرا مهمات بسیار اندک بود.

تلاش برای فتح قلعه به جایی نرسید و ژنرال محمد نادر خان ظفر حسن را برای مذاکره با انگلیس های محاصره شده با پرچم سفیدی به جانب قلعه می فرستد. زیرا او زبان انگلیسی می داند اما آنها حاضر به تسلیم نمی شوند. روز دیگر گلوله باری شدیدی بر روی قلعه صورت می گیرد اما نتیجه، مطلوب به دست نمی آید تا این که قوای کمکی به انگلیس ها می رسد و بمباران های هوایی شدت می گیرد. با عقب نشینی نامنظم قوای افغانی به سوی متون این نبرد پایان می گیرد. شام ۲۷ می فرمان امیر امان الله خان از کابل می رسد که انگلیس ها استقلال افغانستان را به رسمیت شناخته اند در فرمان بعدی خبر داده شد که دولت افغانستان نیز پیشنهاد انگلیس ها مبنی بر عقب نشینی قوایش به فاصلهٔ بیست میل از سرحد را پذیرفته است.

آیبک جنگ تل را یک شکست برای افغان ها می داند که فقط از خوش شانسی سپهسالار محمد نادر خان با رسیدن دستور متارکه از کابل این شکست پنهان شد. آیبک می نویسد:

از خوش قسمتی سپهسالار صاحب و کرم و عنایت خداوندی که شامل حال او گردید، این شکست در انظار مردم رنگ فتح و پیروزی را بخود گرفت و بر عزت او افزود. اگر فرمانده سپاه انگلیسی اندکی از جرأت کار می گرفت و یک قطعه، عسکری را به تعقیب ما می گماشت نه تنها به مرز افغانی می رسید بلکه پیشروی هم می توانست؛ زیرا لشکر افغانی از تل عقب نشینی کرده و به پناه گاهی آمده بود که هفت روز قبل به عزم حمله بر تل از آن روانه شده بود. بنا، شاید تا گردیز هیچ مقاومتی در برابر شان صورت نمی گرفت.

می بینیم که برخلاف سخن غبار نه قلعه، تل فتح شده بود و نه امکانی برای حمله به قوای انگلیس حتی در همان منطقه، تل وجود داشت چه رسد به حمله به پشاور. آیا این خود به معنی تحریف تاریخ به نفع نادر خان نیست؟ توجه بردار نیست اگر بگوییم غبار نادانسته مرتکب این اشتباه شده است. اگر او خود شاهد جنگ تل نبود، جنگاوران این نبرد در دسترسش بودند.

از آنچه که گفتیم می توان نتیجه گرفت که روایت غبار از جنگ تل روایت ارباب اقتدار در زمانی است که افغانستان در مسیر تاریخ نوشته می شد. البته جلد دوم تاریخ غبار سال ها بعد از فوت نادر خان، هاشم خان و خود غبار در شرایط امن در خارج به دست نشر سپرده شد که البته بعضی از قسمت های آن در آغاز کودتای هفت ثور در مصاحبه با عبدالرشید بیغم برادر مرحوم غبار در نشرات آن زمان کابل به نشر رسیده بود.

ادامه دارد

هفته نامهٔ

مجاهد

والذین که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از علی ترین آرزوهاي ملت

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۲۲ | چهارشنبه ۲ سنبله ۱۳۸۴ | ۲۳ رجب المرجب ۱۴۲۶ — 24 August 2005

انتخابات پارلمانی وچالش های آن از دیدگاه کاندیداها


سید ناصر تقدسی


حاجی فیاض

سید ناصر تقدسی: کاندیداهایی که به دستگاه قدرت و احزاب سیاسی وابسته اند با هزینه کردن پول به تطمیع مردم می پردازند.
عبدالحفیظ همام: کاندیداهایی که از امکانات مادی برخوردارند، با استفاده از پول می توانند رأی بیشتر مردم را به خود اختصاص دهند.
حاجی فیاض: پارلمان منتخب در حیات سیاسی ما نقش تعیین کننده دارد.

***

مجاهد در پیرامون نقش پارلمان در کشور و مسؤولیت مردم در انتخابات پارلمانی و مشکلات کاندیداها، نظریات تنی چند از کاندیداهای گرامی را جویا شده است که به ملاحظه می رسد:


عبدالحفیظ همام


ژنرال عبدالقهار شمس

سید ناصر تقدسی کاندیدای ولسی جرگه از ولایت پنجشیر در مورد مشکلاتی که کاندیداها به آن مواجه اند می گوید:

مشکلات فراوانی بر سر راه شمار زیادی از کاندیداها به ویژه کاندیداهای مستقل و غیر وابسته به دستگاه قدرت واحزاب سیاسی وجود دارد . من هم به عنوان یکی از کاندیداهای مستقل وغیر وابسته از این مشکلات رنج می برم. یکی از این مکلات نبود امکانات مالی است، که زمینه های تبلیغات لازم و دیدار با مردم و سایر مسائل مربوط به کمپاین انتخاباتی را برای کاندیداهای مستقل و چیزفهم که ص۷

غزه از اشغال تا تخلیه

محمود الله فیروز

سرانجام اسرائیل پس از ۳۸ سال و اندی، آخرین شهرک یهودي نشین نوار غزه را نیز تخلیه کرد. سربازان اسرائیلي، این بار با مقاومت شهرک نشینان رو به رو نشدند. شهرک مزبور به نام نتساریم که یکی از ۲۱ شهرک یهودي نشین نوار غزه محسوب می شد، پیوسته مورد حمله ها و سو، قصدهاي گروه هاي فلسطيني قرار داشت. تخلیهٔ شهرک هاي یهودي نشین بسیار سریع تر از آنچه برنامه ریزي شده بود و تصور می رفت، انجام یافت. در این عملیات حدود ۵۰ هزار سرباز ارتش اسرائیل شرکت داشتند و در بسیاري از شهرک ها با مقاومت شهرک نشینان رو به رو شدند.

طرح عقب نشینی از باریکهٔ غزه دو هفتهٔ قبل آغاز شد و در این مدت بیش از هشت هزار شهرک نشین از ۲۱ شهرک این منطقه خارج شدند.

البته خروج شهرک نشینان از غزه به معنای پایان اشغال این منطقه نیست؛ زیرا ، نظامیان صهیونیست کنترل گذرگاههای زمینی، دریایی و هوایی غزه را همچنان در اختیار دارند .

رژیم اشغالگر قدس ظرف ۳۸ سال گذشته ۱۵۵ شهرک در کرانهٔ باختری ساخته است اما در این جریان عکس هایی که در مورد تخلیهٔ غزه در رسانه های خبری امریکا به نشر رسید واقعاً دل خراشند؛ زیرا دل کندن از خانه هیچ وقت آسان نیست و شارون این را به خوبی می داند ولی رسانه های خبری چگونه اشغالگران اسرائیلی در غزه را قربانی جلوه می دهند و فلسطینی هایی که سال ها اجازهٔ نزدیک شدن به خانه های شان را نداشته اند را بی رحم نشان می دهند و ناگفته نباید گذاشت که خانهٔ ۱۶ هزار فلسطینی در جریان هجوم ارتش اسرائیل بر نوار غزه تخریب شده است.



همچنان شارون اعلام کرده است که این برنامهٔ تخلیه آخرین تلاش اسرائیل برای صلح است، گویی چنین بحرانی به صلح کمک خواهد کرد!

اما در این میان بسیاری از فلسطینیان معتقد هستند که این حرکتی است به سوی جدایی بیشتر و خشونت بیشتر، و ادامه اعمار دیوار جدا کنندهٔ اسرائیل و فلسطین دال بر این مدعاست.

بنا، این نمایش تخلیه، برنامهٔ صلح نیست، بل برنامه یی است برای ناممکن کردن صلح. حیله یی است برای مشروعیت بخشیدن به خشونت اسرائیل که به دلیل بحران تخلیه، شدیدتر هم خواهد شد اما با وجود همدردی برای مردمی که باید به زور محل سکونت شان را ترک کنند نمی توانیم این را فراموش کنیم که محل سکونت شان را به زور از فلسطینی ها گرفته بودند ولی متأسفانه هیچ کس عکس های بی خانمان شدن فلسطینی ها را در رسانه ها مشاهده نکرد. ص۷



حاشیه یی بر ۲۸ اسد یعنی چه؟

هفته نامهٔ وزین مجاهد در شمارهٔ مؤرخ چهارشنبه ۲۶ ۲ سال روان خورشیدی در ستون جالب و خواندنی خویش "گفتند و شنیدیم" نبشته یی را تحت عنوان "۲۸ اسد یعنی چه؟" به قلم نویسندهٔ ژرفنگر آقای ابوبکر سبزوار به چاپ رسانده است.

باید بگویم که بنده بعد از سرمقالهٔ مجاهد نخستین ستونی را که مطالعه می کنم نبشتهٔ آقای سبزوار و سپس نبشته های برادران ارجمند آقایان وحید مژده و محمد نسیم فقیری است که بیش از یک ربع قرن با نبشته های شان آشنایی دارم.

آقای سبزوار در نبشتهٔ شان به کرونولوژی رویداد های استقلال پرداخته و به گونهٔ دقیق آن را بازتاب داده اندو چنین نتیجه گرفته اند که در ۲۸ اسد کدام حادثهٔ مهمی که با رویداداستقلال پیوند داشته باشد در تاریخ ما وجود ندارد.

این برداشت آقای سبزوار را در گذشته های نزدیک من هم داشتم و حتی از چند دانشمند خبره که حرف های شان حجت است چنین استفسار ی را هم نموده بودم اما پاسخی هم نیافتم و حتی قصد کردم تا مقاله یی در همین مورد به هفته نامهٔ وزین امید چاپ امریکا بفرستم و از دانشمندان تقاضا نمایم معضل ۲۸ اسد را حل نمایند .

به خاطر دارم چند ماه قبل که دانشمند محترم دکتر سید عبد القادر بها رئیس پیشین دانشگاه کابل را زیارت نمودم در مورد اساس تاریخی ۲۸ اسد ۱۲۹۸خورشیدی نظرشان را جویا شدم ایشان نیز با تواضع عالمانهٔ شان فرمودند نمی دانند و تبسم کردند که از استادان تاریخ پرسیده شود

در این روزها کتابی را آقای زرین انځور به نام علامه محمود طرزی

شاه امان الله و روحانیت متنفذ اثر کاندیدای اکادمیسن محمد اعظم سیستانی برایم هدیه دادند که آن را سراپا مطالعه نمودم و در مورد ۲۸ اسد به پرسش خویش پاسخ یافتم که آن را جهت اطلاع برادر دانشمند آقای سبزوار و خوانندگان هفته نامهٔ مجاهد بازنگاری می کنم .

در صفحه ۹۶ کتاب یادشده آمده است "شاه امان الله و مشروطه خواهان پس از پیروزی بر دشمن و تحصیل استقلال کشور و امضای موافقتنامهٔ راولپندی دذ ۸ اگست که بعد از توشیح شاه امان الله در ۱۸ اگست شکل رسمی را به خود گرفت و افغان ها از آن پس همین روز ۱۸ اگست مطابق ۲۸ اسد را روز استرداد استقلال کشور شناختند".

به گمان من توشیح موافقت نامهٔ راولپندی در ۲۸ اسد می تواند دلیلی برای تجلیل همه سالهٔ سالگرد استرداد استقلال باشد.

اما آنچه آقای سبزوار در نبشتهٔ خویش آن را خاطر نشان ساخته اند بحث جدیدی نیست ٦۹ سال قبل هم که سالگرد استقلال را از ۲۸ اسد به ٦ جوزا تغییر دادند دلایلی داشتند که در زیر آن را یاد آوری می نمایم:

مجلس عالی وزرا در اول دلو ۱۳۱۵ خورشیدی مصوبهٔ شماره ۱۴۰۰ خویش را چنین صادر نمود:

"چون تاریخ انعقاد جشن استقلال در موقعی است که در داخل افغانستان گرمای شدید بوده و باعث تکلیف اشتراک کنندگان جشن می گردد و از طرف دیگر سفارت های افغانی در خارج به موسم گرما که همه افراد حکومت های ممالک متوقف فیهای آنها و سفرای خارجهٔ مقیم ممالک مذکوره به جهت تفریح بیرون می روند نمی توانند که کدام مجلسی برای جشن استقلال ترتیب نموده همه گونه شؤونات این مجلس ملی را به صورت درست حفظ نمایند. پس مجلس وزرا تصویب می کند که تاریخ جشن موصوف تغییر داده شود و انعقاد جشن برای هفتهٔ اول برج جوزای هرسال معین گردد".

بعد از تصویب مجلس وزرا هیأت شورای ملی با موافقهٔ مجلس اعیان به تاریخ ۱۰حوت ۱۳۱۵ خورشیدی چنین تصویب کرد: "بنابر موجبات مصرحهٔ مصوبهٔ مجلس عالی وزرا و این که تاریخ جشن استقلال در برج اسد هم مستند به یک وقایع تاریخی استقلال نبوده است هیأت شورای ملی نیز نظریهٔ مجلس محترم وزرا را تأیید و تصویب می کند".

طبعا تصویب مجلس وزرا و شورای ملی بایست به ملاحظهٔ ذات ملوکانه نیز می رسید . ذات ملوکانه که به این تغییر راضی بودند ارادهٔ شاهانهٔ شان به تاریخ ۱۲ حوت همان سال تحت شمارهٔ ۱۱۴بر۹۴٦٦درج می باشد چنین بود:

"تصویب مجلس عالی وزرا و هیأت شورای ملی و مجلس عالی اعیان منظور است جشن استقلال در هر سال به تاریخ ٦ جوزا شروع شود ایام رخصتی جشن استقلال در مرکز یک هفته و در ولایات و حکومات اعلی سه روز کما فی السابق می باشد".

استوار بر آنچه در بالا گفته آمد معنای ۲۸ اسد تا اندازه یی حل گردید حالا محترم سبزوار صاحب بایست به این پرسش پاسخ بیابند که ٦ جوزا چه معنی داشت ؟